نگاه

چه کسی باید رهبری سازمان ملل متحد را به عهده بگیرد؟

موگنس لیکه توفت

● سازمان ملل متحد، امسال دبیرکل بعدی خود را انتخاب خواهد کرد. ما به بهترین نامزد ممکن برای این پست نیازمندیم. از این شغل معمولا به‌عنوان دشوارترین کار در دنیا یاد می‌شود. با توجه به اینکه دبیرکل بعدی سازمان ملل متحد در تاریخ اول ژانویه ۲۰۱۷ سمت خود را برعهده می‌گیرد، به‌سادگی می‌توان به دلایل این دشواری پی برد: درگیری‌های وحشتناک و رنج‌های انسان‌ها در بخش‌هایی از خاورمیانه، آفریقا و اروپا؛ افراطی‌گری‌های خشونت‌آمیز که همه ما را تهدید می‌کند، تبعیض‌های مستمر نسبت به زنان و دختران، رشد نگران‌کننده بیگانه‌ستیزی، تلاش بیش از ۸۰۰ میلیون نفر برای فرار از فقر شدید؛ نزدیک به ۶۰ میلیون آواره در سراسر جهان؛ ایجاد فرصتی منحصربه‌فرد برای مقابله با تغییرات اقلیمی و دستیابی به آرمان‌های توسعه پایدار؛ پیش از اینکه خیلی دیر شود و سازمانی که نیاز دارد با چالش‌ها و اهداف جدیدی انطباق پیدا کند که جهان با آنها روبه‌روست. سازمان ملل متحد، در تاریخ ۷۰ساله‌اش، با وجود تمام کاستی‌ها نشان داده می‌تواند در برابر چنین چالش‌هایی بایستد؛ اما امروز برای این کار، در فرایند انتخاب دبیرکل بعدی در طول سال باید بهترین نامزد ممکن را برگزید.

نقش دبیرکل سازمان ملل متحد

بسیاری پیشنهاد کرده‌اند بالاترین مقام ارشد سازمان ملل متحد باید یا یک «دبیر» (Secretary) یا یک «ژنرال» (General) باشد. این مسئله بسیار ساده‌انگارانه است؛ چراکه دبیرکل (Secretary-General) باید هر دو و حتی فراتر از این دو عنوان باشد. دبیرکل، چه مرد، چه زن - من دلیلی نمی‌بینم بهترین داوطلب زن نباشد- باید ضمن اینکه فردی بااخلاق، شجاع و صادق است؛ صدای آسیب‌پذیرترین افراد جهان و تجسمی از آرمان‌ها و اهداف سازمان ملل متحد باشد. برترین دیپلمات جهان؛ یعنی دبیرکل باید از استقلال، بی‌طرفی و دفاتر حُسن‌نیت خود برای جلوگیری از درگیری و برقراری صلح استفاده کند و برای اجرای حقوق‌بشر تلاش کند. فردی با مقام سیاسی و مهارت‌های قدرتمند رهبری، یعنی داشتن قدرت جلب توجه شورای امنیت سازمان ملل متحد در مواردی که به نظرش حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کند.

دبیرکل باید به‌عنوان مسئول ارشد اجرائی سازمان ملل متحد فرهنگ درستکاری، انصاف، کفایت و کارایی را در میان خانواده سازمان‌ملل برقرار کند و بر یک سازمان بزرگ با بودجه‌ای نزدیک به ۱۰ میلیارد دلار، بیش از ۴۰ هزار کارمند و ۴۱ عملیات صلح در سراسر جهان نظارت کند. دبیرکل باید فردی با مهارت‌های بین‌فردی و ارتباطی قوی بوده و توانایی هدایت مناسب جهانی را داشته باشد که به گونه‌ای فزاینده چندقطبی می‌شود؛ همچنین زمینه را برای انتقال جهان به سمت توسعه پایدار فراهم کند.

فرایند انتخاب در قدیم

ممکن است تصور شود به‌این‌ترتیب فرایند انتخاب دبیرکل تا جای ممکن سالم، مشخص و شفاف خواهد بود؛ اما تا به امروز چنین نبوده است. پیش‌ازاین، شفافیتی درباره زمان دقیق آغاز فرایند انتخاب دبیرکل وجود نداشته و تا حدی ناباورانه مشخص نبود که چه فردی این کار را انجام خواهد داد. همچنین، در گذشته هیچ شرح شغل خاصی مشخص نشده بود و فرصت مناسبی برای تعامل واقعی در فضایی باز با داوطلب‌ها برای اعضای سازمان‌ملل و افکار عمومی وجود نداشت. در نتیجه: توصیه‌ها و مذاکرات پشت درهای بسته صورت می‌گرفت؛ یعنی در درجه اول به وسیله پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد و در میان هشت دبیرکل که حتی یک نفر از آنان زن نبوده و به گونه‌ای عمده انتصاب‌های نمادین به وسیله مجمع عمومی صورت گرفته است؛ بنابراین، دبیرکل‌های سازمان ملل متحد اغلب و نه همیشه، به‌حق پنداشته می‌شده به‌شدت مدیون قدرت‌هایی بوده‌اند که بیش از هر چیز باید درباره آن قدرت‌ها استقلال عمل می‌داشتند.

راهی بهتر برای انتخاب دبیرکل بعدی

منشور سازمان ملل متحد درباره وظایف مربوط به شورای امنیت و مجمع عمومی در فرایند انتخاب و انتصاب مشخص و شفاف است و باید رعایت شود؛ اما تغییرات اخیر در این فرایند که توسط تمامی ۱۹۳ عضو مجمع عمومی تأیید شده است، برای ما فرصتی حقیقی ایجاد کرده تا این روند را شفاف‌تر، قوی‌تر، جامع‌تر و در نهایت کارآمدتر کنیم. به‌عنوان رئیس مجمع، وظیفه من است که از اجرائی‌شدن این تغییرات اطمینان حاصل کنم؛ بنابراین اتفاقی که در حال رخ‌دادن است، به این شرح است. در ماه دسامبر گذشته، این‌جانب به همراه رئیس شورای امنیت فرایند انتخاب را به حرکت انداختیم و در تماس با داوطلبان از آنان درخواست کردیم، در اسرع وقت حاضر شوند. ما ویژگی‌های اصلی فرایند انتخاب را مشخص کردیم، بر تعدادی از معیارهای کلیدی این موقعیت تأکید کردیم و در پرتوِ هفت دهه سلطه مردان، کشورهای عضو را تشویق به معرفی داوطلب مرد و زن کردیم.

ادامه در صفحه ۱۹

معاون وزیر خارجه از لابی برای تعیین سهم ایران در خزر می‌گوید

منطق همیشه حرف آخر را نمی‌زند

آرزو فرشید

عکس: مهدی عظیم‌نژاد، تسنیم

توسعه همکاری‌های منطقه‌ای دومین هدف مهم دستگاه دیپلماسی است که بعد از موفقیت در پرونده هسته‌ای برای تحقق آن تلاش می‌شود. اختلافات مربوط به حقوق خزر نیز یکی از همان بخش‌هایی است که دستگاه دیپلماسی می‌تواند در عصر پسابرجام بیشتر به آن توجه کند و در مسیر حل‌وفصل قرار بگیرد. چالش‌های ما با کشورهای حاشیه خزر درباره مسائلی مانند تعیین خطوط ساحلی، حق کشتی‌رانی نظامی، ماهیگیری و... به قراردادهای ترکمانچای و گلستان و پس از آن انقلاب اکتبر برمی‌گردد. به موجب قرارداد ترکمانچای (۱۸۲۸/۱۲۰۷) از داشتن نیروی دریایی در دریای خزر محروم شده بودیم، اما پس از انقلاب اکتبر در روسیه، در عهدنامه مودت و دوستی (۱۹۲۱/۱۳۰۰) قرار شد ایران و شوروی حق کشتی‌رانی جنگی و غیرجنگی برابر داشته باشند. قرارداد بازرگانی و دریانوردی (۱۹۴۰/۱۳۱۹) نیز جزئیات رژیم دریانوردی را مشخص کرد، اما هیچ‌یک از این معاهدات به چگونگی استفاده از منابع بستر دریا نپرداخت. پس از فروپاشی شوروی و براساس پروتکل دوجانبه‌ای که روسیه با قزاقستان و سپس با آذربایجان در سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ امضا کرد، دو سر نقاط ساحلی این دو کشور به هم وصل شد و عملا حدود ۲۷ درصد دریا سهم قزاقستان و حدود ۱۹ درصد دریا سهم روسیه شد. با همین فرمول ۱۸ درصد از خزر سهم آذربایجان شد و درواقع ۶۴ درصد بستر دریا را این سه کشور میان خود تقسیم کردند؛ ازهمین‌رو باقی‌ماندن ۱۳ درصد از خزر برای ایران هیچ وقت نتیجه خوب و منصفانه‌ای به حساب نیامده و سال‌هاست که محل بحث باقی مانده است. این موضوع در دولت روحانی و در اجلاس چهارم سران خزر مطرح و ایران خواهان استفاده از اصل انصاف در حقوق بین‌الملل شد. حال باید دید در ادامه مذاکرات مربوط به خزر چه نتیجه ای به دست می‌آید و به موجب تقسیم سطح و بستر این دریا، چقدر از منابع خزر از آنِ ما می‌شود. آخرین مذاکرات در این حوزه سه‌شنبه گذشتهَ در باکو با حضور معاونان وزرای خارجه کشورهای حاشیه خزر برگزار شد و به همین بهانه در گفت‌وگو با ابراهیم رحیم‌پور، معاون سیاسی وزیر امور خارجه نگاهی به آخرین توافقات حوزه دریای خزر و برنامه‌های وزارت خارجه برای توسعه روابط در قاره آسیا داشته‌ایم.

شما از جلسه نشست معاونان وزرای خارجه کشورهای حاشیه دریای خزر برمی‌گردید، آیا تغییراتی در توافقات مربوط به تسهیم خزر ایجاد شد یا خیر؟

به طور معمول در مذاکراتی که خیلی طولانی می‌شود (جلسه باکو چهل‌وچهارمین جلسه خزر بود و این مذاکرات بیش از ۲۰ سال است که در جریان است)، نمی‌توان توقع داشت در هر جلسه حاصل مشخصی از همان جلسه مشاهده شود. روال کار به این صورت است که یک متن با مثلا ۲۰۰ ماده وجود دارد؛ بنابراین در هر جلسه ممکن است به چند ماده از آنها بپردازیم و نهایی شود، اما به معنی آن نیست که ماده نهایی‌شده در یک جلسه بازگشت‌پذیر نیست. ممکن است در بررسی‌های بعدی نیز نکاتی پیش آید که بر بندهای قبلا نهایی‌شده اثرگذار باشد.

مصداق این بازگشت‌کردن‌ها و تغییردادن‌ها در مذاکرات خزر چیست؟

مثلا ما در جلسه آستاراخان برای آب‌های سرزمینی رقم ۱۵ مایل و برای آب‌های ماهیگیری رقم ۱۰ مایل را که مجموعا ۲۵ مایل می‌شود پیشنهاد دادیم و دیگران که روی ۱۳ مایل و ۱۲ مایل تأکید داشتند، نظر ایران را پذیرفتند. این‌که تصویب شد مجددا متن را مرور کرده و این دو «مایلاژ» را در متون قبلی قرار داده و نهایی کردیم. بنابراین این سری جلسات مانند جلساتی درباره سوریه، افغانستان و جلساتی که به یک بحران مربوط می‌شود و همه منتظر یک کار ویژه هستند، نیست. به همین خاطر فکر می‌کنم نوع سؤال و نگاه افکار عمومی نباید تحریک‌کننده این باشد که در یک جلسه مسائل خزر نهایی شده است.

بنابراین آخرین توافق ما درباره تعیین خطوط ساحلی با کشورهای حاشیه خزر همین ۱۵ و ۱۰ مایلی است که گفتید، اما ممکن است در جلسات بعدی شامل تغییر شود؟

اینکه عرض کردم نتیجه جلسه آستاراخان است که در چندین جلسه بعدی در مواد مربوطه گنجانده شد، اما اصل داستانی که شما یا افکار عمومی دنبال می‌کنید و منتظر تقسیم هستید به این موضوع ربط خیلی دقیقی ندارد. به این نکته توجه داشته باشید که یک خط مبدأ وجود دارد که براساس مکانیسم جغرافیایی و حقوقی و عرف بین‌المللی مشخص می‌شود. براساس این خط بستر (کف دریا) و زیر دریا (منابع) مشخص می‌شود بنابراین چیزی که شما و افکار عمومی به دنبال آن هستید و می‌خواهید بدانید که سهم ما چه می‌شود، براساس این خط مبدأ مشخص می‌شود.

بنابراین سهم ما چه می‌شود؟

این همه تقسیم نیست. بخشی از تقسیم به قسمتی که سهم خاص هر کشور است مربوط می‌شود و بخشی نیز به میانه دریاچه و قسمت مشاع میان پنج کشور مربوط است. از این نظر، نمی‌توان گفت سهم ایران ۲۰، ۱۵، ۳۰ یا... درصد است و سهم دیگران چقدر است. علاوه‌براین ثروت و سرمایه اصلی در قسمت‌هایی از دریا که درباره ماهیگیری، منابع کف دریا و زیر دریا و ترانزیت و عبور و مرور مشاع است، وجود دارد. به همین خاطر، معتقدم تزریق این نگرانی به افکار عمومی که ایران قسمتی از سهم خود را از دست می‌دهد؛ درست نیست. قانون بین‌المللی دریا - ما عضو آن نیستیم- تعیین‌کننده حقوق مربوط به استفاده از دریا نیست و اکنون این اجماع وجود دارد که هر پنج کشور باید در تعامل با هم حقوق خود را مشخص کنند.

کلیت آنچه این کشورها اکنون درباره آن اجماع دارند، چیست؟

چهار کشور دیگر در مورد خط مبدأ اتفاق نظر بیشتری دارند و نظرات ما کمی متفاوت است. دلیل قابل دفاع ما برای این اختلاف نظر شکل جغرافیایی ساحل ما است. این شکل جغرافیایی از سهم ما کاسته است و به همین دلیل طالب رعایت اصل انصاف به عنوان یک اصل بین‌المللی در مورد دریاچه‌های بسته هستیم تا سهم مناسب‌تری برای خود بگیریم. یکی از بحث‌های کلیدی که پنج کشور درباره آن هنوز به تفاهم نرسیده‌اند، همین مسئله است.

در جلسه باکو به این مسئله پرداخته شد؟ راهکاری وجود دارد که کشورها در این زمینه نیز به توافق برسند؟

در این جلسه مختصری به آن پرداختیم و قرار است این موضوع مهم و برخی موضوعات کلیدی دیگر از جلسات کاری که ما در سطح معاونان وزرا برگزار می‌کنیم، به جلسات وزرای خارجه که به‌زودی در آستانه تشکیل می‌شود، ارجاع شود.

ما در حوزه خزر مسائل اختلافی دیگر مانند حق کشتی‌رانی نظامی نیز داریم، وضعیت این موضوع چگونه است؟

همه قبول دارند که دریاچه باید غیرنظامی باشد. در مورد اینکه نیروهای خارج از این پنج کشور در دریاچه نباشند، نیز تفاهم و اجماع است اما عقل حکم می‌کند برای مقابله با قاچاق، دزدی دریایی، احتمال ورود نیروی خارجی از یک مسیری به اینجا و... سازوکار دفاع را فراهم کنیم و این با غیرنظامی‌بودن تفاوت دارد بنابراین در مورد سازوکار دفاعی، بندهایی وجود دارد که روی بخشی از آن تفاهم شده و بخش دیگر آن مورد اختلاف نظر است.

در باکو علاوه بر اجلاس خزر در جریان نشست سه‌جانبه ایران، آذربایجان و روسیه نیز بودید. با توجه به اینکه هر سه کشور تولیدکننده نفت هستند، فکر می‌کنید چنین نشست‌هایی می‌تواند علاوه بر همکاری‌های مستقیم، در مسائلی مثل قیمت نفت نیز اثرگذار باشد؟

بله، هدف ما این است از بخش اثرگذار دیگری که در دنیا وجود دارد استفاده کنیم. اگر سیاست‌های ما با این بخش نزدیک‌تر باشد لابی بهتری را در اثرگذاری بر قیمت نفت می‌توانیم داشته باشیم. اکنون نکته این است که می‌گوید قصد داریم ظرفیت‌های صادرات نفت را بیشتر کنیم و این باعث کاهش قیمت می‌شود. پاسخ طبیعی ما این است که می‌گوییم سعودی‌ها در دوران تحریم از سهم و ظرفیتی که ما باید در بازار می‌داشتیم استفاده کردند و اکنون می‌خواهیم به جایگاه خود برگردیم به‌همین‌دلیل این صحبت‌ها و گفت‌وگوها مؤثر است، چراکه همیشه حرف آخر را منطق نمی‌زند و لابی و موزانه قدرت و منافع حرف اصلی را می‌زند. در همین راستا هرچقدر بتوانیم با کشورهای منطقه به‌ویژه آنان که انرژی‌خیز هستند همکاری نزدیک‌تری داشته باشیم، در اثرگذاری ما روی قیمت نفت در بلندمدت نیز مؤثر است. این یک جنگ سیاسی است که عربستان شروع کرده و خودش نیز متضرر شده است. من فکر می‌کنم ایران، آذربایجان و روسیه حجم تأثیرگذاری دارند و هرچه رهبریت آنها به هم نزدیک شود این اثرگذاری بیشتر می‌شود.

در جریان سفرهای اخیر دولت به پاکستان و آذربایجان نیز هستید، هر دو کشور مسیر خط لوله گاز هستند. این سفرها در حوزه انرژی و اقتصادی چه اثراتی داشته است؟

هرکدام از اینها فایل خود را دارد. در مورد پاکستان می‌توانیم بگوییم ما کارهای خود را انجام داده‌ایم اما پاکستانی‌ها به دلیل مسائل مالی و فشار آمریکایی‌ها در دوره تحریم ما پروژه خط لوله را جلو نبردند. اکنون بعد از رفع تحریم‌ها خود آنها پیگیری می‌کنند که فاینانسورهای بین‌المللی - اعم از نهادها و کشورها - را در این موضوع دخیل کنند. چین نیز انگیزه دارد که به این موضوع وارد شود بنابراین هم پاکستانی‌ها پیگیری می‌کنند و هم ما به آنها مشورت می‌دهیم که خط لوله مورد نیاز پاکستان و چین- قبلا نیز هند- بتواند عملیاتی شود. در سفر اخیر پیشرفت‌هایی حاصل شد و به نظر می‌رسد بعد از برداشته‌شدن مانع تحریم ایران، کارها به صورت جدی‌تر جلو برود. البته این پروژه هر زمانی که شروع شود حداقل بعد از دو سال می‌تواند به پایان برسد، بنابراین اثرات خیلی سریع روی اقتصاد ندارد. با این حال جزء طرح‌های بلندمدتی است که می‌تواند روی بازارهای ما اثرگذار باشد. با این خط لوله می‌توانیم به پاکستان گاز صادر کنیم. آنها اکنون از قطر با حجم کم و هزینه بالا استفاده می‌کنند اما بعد از رفع تحریم، ما می‌توانیم در هاب انرژی منطقه سبد خود را متنوع‌تر کنیم.

به‌این‌ترتیب در دوران پسابرجام بر توسعه روابط به‌ویژه روابط اقتصادی با کشورهای دیگر و تقویت لابی خود تمرکز داریم. در این راستا برای گسترش روابط در بخش آسیا چه برنامه‌هایی وجود دارد؟

با رفع تحریم‌ها و اجرائی‌شدن برجام، سیاست‌های بنیادی ما تغییرات اساسی نمی‌کند. در همه دنیا این‌طور است که کشورها با همسایگان، همفکران، هم‌کیشان و کسانی که امنیت متقابل با یکدیگر دارند، روابط گسترده دارند. آنها در حوزه اقتصاد با یکدیگر لینک می‌شوند تا به امنیت بیشتری برسند. در دوره تحریم دوسوم مبادلات ما با همین منطقه آسیا و همسایگان بوده است و اکنون نیز روبه‌رشد بیشتر خواهد بود. قبلا به دلیل تحریم و کاهش قیمت نفت دوسومی که از آن حرف می‌زنیم، حدود ۵۰ میلیارد دلار بود و قاعدتا در پساتحریم باید به صد میلیارد دلار برسد. بنابراین درصد این تعاملات کاهش پیدا نمی‌کند و میزان آن افزایش خواهد داشت.

به‌عبارتی بعد از پشت‌سرگذاشتن موضوع هسته‌ای در چند حیطه امکان تمرکز و فعالیت بیشتر داریم که یکی از آنها تقویت همکاری‌های اقتصادی است. در وزارت خارجه نیز این بخش تقویت شده و جزئی از کار ما این است که در سفرها در این زمینه فعالیت می‌کنیم. در حوزه انرژی با کشورهای دارای انرژی منطقه در حال گفت‌وگو و همکاری هستیم، در حالی که قبلا استدلال می‌شد دو کشوری که نفت یا گاز می‌فروشند، نمی‌توانند با هم کار کنند و رقیب یکدیگر هستند. اکنون با آذربایجان، ترکمنستان، روسیه و قزاقستان که این هفته به ایران می‌آید، مذاکره و گفت‌وگو می‌کنیم بنابراین با هم‌اندیشی و همکاری با وزارت نفت به رشد و توسعه همکاری‌ها در حوزه انرژی می‌پردازیم.

ترانزیت، بیزنس جدید و مهمی است که ما از آن غافل بوده‌ایم اما جغرافیای ایران حکم می‌کند که از این نعمت خدادادی استفاده بیشتری کنیم و اکنون در حال کار و فعالیت بیشتر روی این حوزه هستیم. توریسم نیز با وجود کمبودهایی که در داخل کشور داریم، از جمله مسائل موردتوجه ما و مهم است؛ مثلا در اجلاس سه‌جانبه ایران، آذربایجان و روسیه در مورد تسهیلات ویزایی بیشتر گفت‌وگو کردیم و به تفاهماتی رسیدیم که پیرو آن در آینده وضعیت بهتری را خواهیم دید که به افزایش رفت‌وآمد توریسم منجر می‌شود. بنابراین انرژی، ترانزیت و توریسم سه حوزه موردتوجه ماست؛ در همین راستا حتی با چین که از لحاظ مسافتی فاصله بسیاری با ما دارد، در بخش ترانزیت کار می‌کنیم. قطار باری چین به تهران رسیده و قرار است فعلا به صورت آزمایشی ماهی یک بار به تهران بیاید و مسیر ۴۵روزه را در ۲۵ روز طی خواهد کرد.

به‌زودی رئیس‌جمهور کره، نخست‌وزیر ژاپن، رئیس‌جمهور اندونزی و رئیس‌جمهور هند به ایران خواهند آمد بنابراین جدول خوبی از رفت‌وآمد با کشورهای آسیایی و منطقه داریم و فکر می‌کنیم با سیاست‌های جدید که برجام برجسته‌ترین آن بود، شاهد وضیت بهتری در این بخش از تعاملات خارجی خواهیم بود.

اجازه بدهید از این فرصت استفاده کرده و چند سؤال هم در مورد دیگر مسائل موجود در حوزه کاری شما داشته باشم. یکی از مسائل چالش‌هایی است که با روسیه درباره تحویل اس- ۳۰۰ها داشته‌ایم. ماجرای آن پنجشنبه‌ای که قرار بود با حضور سردار دهقان این سامانه را تحویل بگیریم و یکباره تکذیب شد، چه بود؟

این مسئله صرفا یک موضوع نظامی نیست. ما در این زمینه، مسائل مالی، اداری و حمل‌ونقلی داریم.

ادامه در صفحه ۱۹

روزنه

رئیس‌جمهوری قزاقستان امروز در تهران

● **ایرنا:** نورسلطان نظربایف، رئیس‌جمهوری قزاقستان، در صدر هیاتی بلندپایه ۲۳ و ۲۴ فروردین‌ماه به ایران سفر می‌کند. در سفر رئیس‌جمهوری قزاقستان به ایران، ۹ سند همکاری و ۴۰ تفاهم‌نامه اقتصادی، کشاورزی و بانکی میان دو کشور امضا می‌شود. اسناد همکاری‌های دستگاه‌های دولتی دو کشور در زمینه‌هایی همچون کشاورزی، تجارت، حمل‌ونقل، فناوری، صنعت، بانکی، انرژی، توسعه سرمایه‌گذاری، انتقال محکومان به حبس و کشتیرانی منعقد خواهد شد. همچنین تفاهم‌نامه و قراردادی که به امضای بخش‌های خصوصی دو کشور می‌رسد در زمینه‌های مختلف از جمله کشاورزی، کشت فراسرزمینی، صنعت، معدن، سرمایه‌گذاری و انرژی پیش‌بینی شده است. قزاقستان برای حل مناقشه هسته‌ای ایران و گروه ۱+۵ که طی دو دور میزبان این مذاکرات بود نشان داد که شریک سیاسی قابل‌اعتمادی برای ایران است. «نظربایف» اولین رئیس دولتی بود که دعوت ایران را پذیرفت و در رأس هیأتی بلندپایه در مراسم تحلیف حسن روحانی، رئیس دولت یازدهم، شرکت کرد. قزاقستان در بین کشورهای آسیای‌میانه، بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی و سیاسی را دارد و درعین‌حال ایران هم بیشترین مبادلات اقتصادی، تجاری و سیاسی را در این منطقه با این کشور دارد. تاکنون بیش از ۸۵ سند همکاری در زمینه‌های مختلف میان دو کشور به امضا رسیده و قرار است در سفر این هفته رئیس دولت قزاقستان به ایران حدود ۴۰سند دیگر هم امضا شود. نورسلطان نظربایف ۷۵ساله، بیش از ۲۵ سال است که ریاست‌جمهوری قزاقستان را برعهده دارد. همچنین «مجتبی دمیرچیلو»، سفیر ایران در قزاقستان، گفت: «جمهوری اسلامی ایران و قزاقستان از قابلیت‌های خوبی برای افزایش همکاری‌های فیمابین و همچنین توسعه همکاری‌ها در منطقه و سطح بین‌الملل برخوردارند». «امریف بغداد کولتائوپچ»، سفیر قزاقستان در ایران، نیز گفته که ایران از قابلیت‌ها و توانمندی‌های بسیار خوبی بهره‌مند است، به‌طوری‌که توانست دوران دشواری را در سال‌های گذشته پشت‌سر بگذارد و امروز زمان توسعه مناسبات اقتصادی و تجاری با این کشور است.

LEON Café

کافه لئون نارون

کیترینگ و سفارشات بیرون بر
CATERING & DELIVERY

نیاوران- مرکز خرید نارون- طبقه همکف
۲۶۱۰۳۸۱۱

www.leon1960.com
/LEONSINCE1960

higroupplus.com/rakhshani